



۲۰۱۴/۱۱/۰۱

داؤد موسی

یک تصمیم به خطا بر مبناء دو پندار نادرست

بیاد دارم که دو سال و اندی پیش، اداره محیط زیست طی پیشنهادی به مقام ریاست جمهوری وقت خواستار تطویل رخصتی اخیر هفته از یکنیم روز به دو روز گردید. پندار اداره مذکور این بود که گویا با داشتن دو روز رخصتی در هفته، تعداد مرور عرارجات بر روی جاده های شهر تقلیل یافته و در نتیجه از کثافت هوای شهر کابل کاسته می شود. اما دیدیم که در عمل چنین نشد. زیرا تجربه عالمی ثابت نموده که در هر کشوری که رخصتی اخیر هفته دو روز است، روز اول آن را مردم برای خریداری تخصیص می دهند. در کشور ما نیز خاتم ها با استفاده از موتر های دولتی رو به سوی بازار ها می آورند و نتیجه آن، راه بندی هایی می باشد که هر روز پنجشنبه آن را در تمام شهر کابل مشاهده می نمایم. در پنج شنبه ای که گذشت، سفر من از چهار راهی پشتونستان از طریق جاده نادر پشتون تا پل محمود خان یک و نیم ساعت را در بر گرفت.

همین وقت که کرزی صاحب این استدلال نادرست را قبول کردند، باز جدال روی این به میان آمد که این رخصتی دو روزه کدام روز ها را در بر بگیرد. چند تن پیشنهاد کردند که چون در اکثریت ممالک جهان به شمول یک تعداد زیادی از ممالک اسلامی روز های شنبه و یکشنبه برای این منظور تخصیص یافته است، پس بهتر است تا ما نیز به منظور توافق روز های کار ما با این نورم جهانی هم نوا باشیم. اما درین جا چند تن از "نازک رویانی" که آقای کرزی توان نی گفتن به آنها را نداشت، روی این نکته پا فشاری نمودند که روز شنبه روز رخصتی یهودان بوده و ما نباید کاری بکنیم که ما را بسوی آنچه که اسرائیلیات خوانده می شود، ببرد. این بود پندار نادرست دومی که موجب اغوای رئیس جمهور وقت گردید، به دلایل ذیل:

اگر واقعیت همین باشد، لازمست به عرض خوانندگان برسانم که قرار عقائد اسلامی ما، ادیان حضرات داؤد، موسی و عیسی علیهم السلام در کل منسوخ بوده اما وقتی به جزئیات عقائد این ادیان مراجعه کنیم، در خواهیم یافت که عقائد اسلامی ما نمایانگر تردید همه جزئیات شان نبوده، بلکه در بعض جاها دوام و تأیید برخی از آنها (ولو که از طریق پیروان ادیان شرکبه هم بما رسیده باشد) صورت گرفته است. در پایین، ما به ذکر عده ای از عقائد دین یهود که در دین اسلام کماکان مورد احترام ما می باشد، می پردازیم:

در صدر این لیست، نام پروردگار کائنات یا الله (ج) قرار دارد. یهودیان ایرانی و عرب تا امروز هم اسم مرکب با نام الله (ج) از قبیل عبدالله، عصمت الله، روح الله و غیره را بر اولاد خود می گذارند. در کتب احادیث و سیره نبوی (ص) آمده است که در سال سیزدهم بعثت وقتی مشرکان قریش به قصد جان پیامبر اسلام (ص) آنحضرت را تا شهر طائف تعقیب نمودند. در اثناء تعقیب شان، آنحضرت به باغ انگوری پناه برده و صاحب باغ به غلام حبشی خود که عیسوی بود گفت تا برای جناب شان انگور بیاورد. پیغمبر حسب عادت، خوردن انگور را با ذکر آیه بسم الله الرحمن الرحیم آغاز نمودند. غلام حبشی از ایشان جویا شد که آیا او عیسوی میباشد؟ آنحضرت با دادن جواب منفی پرسیدند که چرا چنین پرسشی را از او کرده است. آن مرد جواب داد که آنها (عیسویان) نیز خوردن غذا را با ذکر نام الله شروع میکنند. حتی اسم الله (ج) که اسم ذات خداوند میباشد، در بین مشرکین بت پرست عربستان نیز مروج بوده چنانچه نه تنها نام پدر رسول خدا (ص) عبدالله بود، بلکه همگی اعلام عربی که از صدر اسلام بما مانده است، در اعراب عصر جاهلیت نیز مروج بوده است. بعضی از علمای دین به این عقیده اند که از صفات نود و نه گانه خداوند (ج) که به اسماء الحسنی شهرت دارند، نام «الرحمن» نیز اسم ذات می باشد. وقتی پیامبر اسلام بار اول این اسم را به ذات خداوند نسبت داد، یهودان مستهزانه اعتراض کردند که این اسم مأخوذ از کتاب تورات می باشد. پیغمبر (ص) در جواب شان گفتند که در صورتیکه دین اسلام به تعقیب و به منظور تکمیل ادیان آسمانی دیگر آمده باشد، چرا باید این نام با آنچه که در تورات آمده است اختلافی داشته باشد؟

همچنانست پرنسیپ وحدانیت خداوند (ج) که مورد اعتقاد و احترام هر چهار دین سماوی میباشد^(۱). خانه کعبه که به عقیده ما بنیان گذار آن هوا دار پیشین یکی پرستی و وحدانیت خداوندی یعنی حضرت ابراهیم خلیل الله بوده، در نزد مشرکان دوران جاهلیت نیز از اهمیت و قدسیت آن (به شمول حجر الاسود) کاسته نشد. منتهی مشرکان قریش داخل بیت الله را با بت های گوناگون خود "تزنین" نموده بودند. رسم طواف خانه کعبه و رسم صفا و مروه که به آیه مبارکه (سوره البقره) از شعائر الله میباشد، اصلاً از داستان های تورات ناشی و حتی در میان مشرکان جاهلیت وجود داشته و پیغمبر خدا (ص) آنها را منع قرار نداد.

اگرچه قرار عقاید اسلامی متن احسن الحدیث قرآنی مأخوذ از لوح محفوظ و ازلی بوده، پس قادم بر همه متون دیگر است. اما در عالم اسباب تسلسل نزول کتب و صحائف آسمانی دیگر بر متن قرآنی قادم می باشند. لهذا می توان گفت که اعلام (۲) و بعضی از صفات اسماء الحسنی نیز قبلاً در کتب دیگر ظهور نموده اند. مخصوصاً نام های پیامبران سلف از آدم، الیاس، ابراهیم و اسماعیل و شعیب و نوح تا هارون، یعقوب، یوسف، یونس و ادریس و غیر هم. (۳).

آنچه که در مبحث روی دست به موضوع رخصتی اخیر هفته ارتباط فراتر میگیرد این واقعیت است که در زمان حیات پیامبر (ص) و صدر اسلام موضوع رخصتی اصلاً مروج نبوده است. تنها موضوع ای که باز هم بران دین اسلام و یهود اتفاق نظر دارند، خلقت کائنات در ظرف شش روزست که قرآن کریم آنرا شش بار تکراراً ذکر نموده است. در بند اول باب دوم سفر تکوین (۴) کتاب تورات گفته شده که "... و در روز هفتم خدا از همه کار خود که ساخته بود، فارغ شد و در روز هفتم از همه کار خود که ساخته بود آرام گرفت. پس خدا روز هفتم را مبارک خوانده و آنرا تقدیس نمود زیرا که در آنروز آرام گرفت." چنین پنداری را علمای الهیات Anthropomorphism (۵) خوانده اند. اما قرآن کریم این موضوع را به صراحت نفی نموده میفرماید: "و لقد خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما فی ستة ایام و ما مسنا من لغوب" (۶). یعنی ما آسمانها و زمین را و آنچه در بین آنهاست در شش روز خلق نمودم و [ازین عمل] احساس ماندگی نکردیم. "تنها چیزی که از نگاه قرآنی روز جمعه را از روز های دیگر هفته مجزا میسازد اینست که تجارت و بیع و شرا در وقت نماز جمعه منع گردیده است و متن آن چنین است: ای کسانی که ایمان آورده اید وقتی برای ادای نماز بروز جمعه ندا [آذان] داده می شود، پس بسوی ذکر خداوند [نماز] سعی نموده و بیع [خرید و فروش] را ترک نمایید. چه این یکی برای شما بهتر است. و زمانی که از ادای نماز فارغ شدید، بر روی زمین منتشر شده و از نعمات خداوندی مستفید شوید (۷). اما اطلاق این امر بهی خواهانه خداوندی تنها برای مدت بین آذان نماز جمعه تا ختم نمازست و نه قبل و یا بعد از آن.

از زمره داستانهای متعددی که در قرآن مجید ذکر گردیده، سیزده تای آن با روایات توراتی شباهت دارد (از قبیل طوفان نوح، داستان قربانی حضرت اسمعیل، داستان حضرت یونس، لوط و غیره). تنها سه تای آن با روایات انجیل

۱- کنستانتین امپراتور روم شرقی وقتی در قرن چهارم میلادی به اتحاد هردو امپراتوری روم شرقی و غربی نائل آمد، در سال ۳۲۵م شورای بزرگی را که مشتمل بر دو صد و پنجا نفر از بزرگان کلیسا بود در شهر نیقیآ (جوار استانبول) منعقد نموده و عقیده Homoousium یا هم جوهری را بر ایشان تحمیل نمود. بدین معنی که گویا خدای پسر (حضرت مسیح) با خدای پدر از یک جوهر بوده و هم عمرند. این عقیده را کشیشان اسکندریه به سرکردگی Nestorius پذیرفتند. چه آنها معتقد بودند که حضرت مسیح تنها پیامبر خداوند (ج) بوده و نه پسر او. کنستانتین متعاقباً این گروه را از مصر نیز متواری ساخته و ایشان عقیده توحید را در سر شرق میانه تا سرحدات چین با خود بردند. چنانچه مارکو پولو جهان گرد ایتالیایی در خاطرات خود از وجود اقوامی بر سر راه ذکر نموده که خود را عیسوی میگویند اما به خدایی حضرت مسیح معتقد نبودند. بسیار امکان دارد دین عیسوی که در صدر اسلام در شبه جزیره عرب رائج بوده نیز از همین گروه نستوری بوده باشد که بزعم مسلمانان آن زمان مؤحد شمرده میشوند. اما نه مسیحیان امروزی که گروهی به عقیده تثلثت (سه خدایی) میباشد.

۲- اسم علم به اسمی یا صفتی می گویند که بر انسان اطلاق می گردد. مثل احمد، وزیر، ملنگ، زندیق، برهن و غیره.

۳- یهود نیز به این عقیده اند که متن تورات ازلی میباشد.

۴- سفر به کسر سین و سکون (ف) و (ر) که جمع آن اسفارست، به هر یکی از کتب پنجگانه تورات میگویند.

۵- انتروپومورفیزم که آن را ایرانیان به "انسان شکلی گرایی" ترجمه کرده اند، عبارت از دادن نسبت خواص انسانی به غیر انسان می باشد. درین جا نسبت دادن خاصیت ماندگی به خداوند (ج) یک پندار انتروپومورفیک می باشد.

۶- آیه ۳۸ سوره (ق)

۷- آیات ۹ و ۱۰ سوره (الجمعه).

مشابهت اندک و بسیاری دارد. احکام دین اسلام و دین یهود هر دو همه جوانب حیات دنیوی و اخروی پیروان خود را احتواء می نمایند، در حالیکه دین عیسوی روی مسائل دنیوی چندانی نمی پیچد.

بصورت خلاصه پرنسیپ های ذیل در دین یهود با دین اسلام تباین ندارد: پنج بار عبادت در روز از روی حرکت آفتاب، ستر سر زنان، ختنه مردان^(۸)، گذاشتن ریش^(۹)، روی به قبله آوردن هنگام عبادت، حساب اجدد، تقویم قمری، وجود رابطه مستقیم بین خداوند و انسان، عدم ضرورت به وجود زن در عبادتگاه ها، قربانی حیوانات اهلی، انحصار حق طلاق به مردان در حالیکه خود عمل طلاق مذموم شمرده شده است، پرنسیب حق الله و حق العبد، آمدن مهدی آخرالزمان، عقیده به قضاء و قدر، حق خدا و حق همسایه، مخالفت شدید با خودکشی، هم عقیدگی در مورد ربی، بردگی و تعدد زوجات، تحریم خوردن گوشت خوک و وجود بعض قیود بر خوردن گوشت اسب و بعض حیوانات بحری، عمل ذبح و منع خوردن خون. سؤال اصلی درین جاست که ما کدام یکی ازین عقاید خود را نیز به علت تشابه آنها با عقائد و رسوم یهودی ترک گفته می توانیم؟ چنین تشابهات نه تنها در کلیات، بلکه در جزئیات عقائد دو دین نیز بوضاحت به نظر می خورد که یکی از آنها موضوع "الست بریکم" می باشد^(۱۰).

گفته اند: "عیب می جمله چو بگفتی، هنرش نیز بگو." طوری که در بالا گفتیم، تجربه دنیای خارج شاهد است که یک روز بیشتر رخصتی در هفته موثر داران و فامیل هایشان را تشویق می نماید تا برای خرید از خانه برون بروند که این امر از یک سو باعث رشد تجارت و کاریابی گردیده و در حین حال موجب آلودگی هوا نیز می شود. اما از جانب دیگر، این تصمیم حکومت کرزی که باعث تقلیل پنج ساعت کار در هفته برای مأمورین دولتی گردید، در واقع (و بصورت مجازی) معاش فی ساعت شانرا ۱۷ فیصد بالا برد. اما بر معاشات اهل کسبه تأثیری نینداخت. مهم ترین نکته این که تصمیم فوق حکومت وقت به اقتصاد کشور ما لطمه بزرگی وارد نموده است و آن ناشی ازین است که در دنیای خارج (حتی اکثر ممالک اسلامی مثل پاکستان، مراکش، اندونیزیا، لبنان و غیره) تعطیل آخر هفته بروز های شنبه و یکشنبه یعنی به دوام تعطیلات روز پنجشنبه و جمعه ما می باشد. پس تصمیم فوق در واقع ارتباط دولتی، تجارتی و بانکی ما را برای چهار روز با جهان خارج قطع نموده و سه روز کاری را در هفته برای ما می گذارد. به امید اینکه رئیس صاحب جمهور نو با فراستی در ایشان می شناسم این موضوع را درک نموده و به فکر چاره این معضله مهم باشند. الله یاور.

پایان

۸- "ختنه مردان" بدان جهت نوشتن که رسم سخیف ختنه زنان هنوز هم در میان بعضی از مسلمانان آسیای جنوب غربی و افریقای شرقی وجود دارد.
۹- در عربستان عهد جاهلیت، رسم گذاشتن ریش در میان تمام اقوام و ادیان از مسلم و یهود تا ستاره پرست، عیسوی، زردشتی و بت پرست وجود داشت. پس می توان گفت که نتراشیدن ریش رسم مشترک همگی پیروان این ادیان بوده است. اگرچه در مورد تراشیدن بروت بعض روایات دیگری وجود دارد.^۹

۱۰- پرنسیپ مذکور روی این سؤال بناه گردیده که اگر یک شخصی در جنگل افریقا به دنیا آمده و تا اخیر عمر نه از عالم بیرون اطلاعی داشته باشد و نه از دین خجسته اسلام خبری بگوشش رسیده باشد (یعنی ملحد، کافر یا مشرک به دنیا آمده و همان طور از جهان برود)، آیا بروز قیامت، این شخص به کدام دلیل مستحق مجازات میگردد؟ تصریح جواب در آیه ۱۷۲ سوره الاعراف قرآن مجید صورت گرفته و آن این است که خداوند (ج) بعد از خلقت انس و جن از ایشان پرسیده که (الست بریکم؟) یعنی آیا نیستم پروردگار شما؟ و آنها جواب دادند که "بلی". پس چون همه ما بروز ازل چنین میثاقی را با خدای خود بسته ایم، واضحت که عدول از آن موجب مجازات اخروی میگردد. عین همین پندار در عقائد یهود نیز وجود دارد.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی